

مصحف امیرالمؤمنین (ع) یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی

دکتر رضا فرشچیان

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

(از ص ۱ تا ۱۹)

چکیده:

روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که امام علی (ع) در آغازین روزهای درگذشت پیامبر گرامی اسلام (ص)، بنابر سفارش آن حضرت، قرآن را در مجموعه‌ای گرد آورد، این مجموعه که به "مصحف علی (ع)" نامبردار است، در بردارنده تاویل و تفسیر آیات قرآن، محکم و متشابه و اسباب النزول بوده است و آیه‌های منسوخ پیش از آیات ناسخ قرار داشته‌اند و به همانگونه، آیات مکی پیشتر از آیه‌های مدنی بوده است. برخی از محققان مسلمان بر این رای هستند که مصحف بر اساس ترتیب نزول سوره‌های قرآن گرد آوری شده است، این دیدگاه، تنها بر روایت "ابن سیرین" مبتنی بوده و در دیگر روایات خصوصاً روایات شیعه دیده نمی‌شود، بنابراین نمی‌توان به دیده اطمینان به آن نگریست و به دلیل وجود مسائل مهم علوم قرآنی در مصحف علی (ع)، و زمان گردآوری آن، می‌توان نتیجه گرفت که مصحف آن حضرت نخستین کتاب درحوزه علوم قرآنی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: علی (ع)، مصحف، علوم قرآنی، ترتیب نزول، سوره.

مقدمه :

آنچه در پیش روی شماست، کوششی است در شناخت هر چه بیشتر مصحف امیرالمومنین علی (ع)، مصحفی که بنا بر روایات شیعه و اهل سنت نخستین مجموعه گرد آوری شده در حوزه قرآن پس از درگذشت پیامبر (ص) بوده است، از آنجا که این بحث پرسشهای فراوانی را در خصوص ترتیب، چگونگی تالیف و محتویات مصحف با خود همراه دارد، تلاش شده است تا در حد توان به پاسخی درخور دست یابیم، امید است که از داوری ناحق به دور بوده و گامی هر چند کوتاه در شناخت قرآن کریم برداشته باشیم.

آغاز گرد آوری قرآن بنا به گزارشهایی که از دانشمندان علوم قرآنی، حدیث و تاریخ رسیده است، علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) و فراغ از مراسم آن بزرگوار (ص) از بیعت با ابوبکر سر باز زده و به گرد آوری قرآن پرداختند. و در پاسخ کسانی که از بیعت نکردن ایشان با ابوبکر سؤال می کردند، می فرمود: قسم یاد کرده‌ام که جز برای نماز رداء بردوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم. (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۷ / السیوطی: الاتقان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۱۶۱ الطبرسی: الاحتجاج ج ۱ صص ۷۵، ۸۲، ۱۹۰، ۱۵۵ / القرطبی: الاستیعاب ج ۳، ص ۹۷۴ / الهلالی: کتاب سلیم ص ۶۵۶ / یعقوبی: تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۱۳۵).

اینک بحث را با روایاتی که در این زمینه از اهل بیت (ع) رسیده است، آغاز کرده و آنگاه روایات اهل سنت را یاد می کنیم.

- روایت جابر بن یزید از امام باقر (ع): امیرالمومنین (ع) هفت روز پس از وفات پیامبر (ص) در مدینه خطبه‌ای خواند و آن هنگامی بود که از جمع و تألیف قرآن بیاسود. (الکلبی: الکافی ج ۸، ص ۱۸)

- روایت ابو حمزة ثمالی از امام باقر (ع): احدی از این امت قرآن را فراهم نیاورده مگر وصی محمد (ص). (القمی: تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۵۱)

- روایت ابان بن تغلب از حضرت صادق (ع): بر اساس این روایت علی (ع)

فرمود هنگامی که رسول خدا (ص) وفات یافت به امور ایشان مشغول بودم و سپس سوگند یاد کردم که جز برای نماز رداء بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم و چنین کردم. (الطبرسی: الاحتجاج ص ۷۵)

- روایت مفضل: امام صادق (ع) در پاسخ به پرسشهای مفضل به جمع و تالیف قرآن به دست علی (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص) اشاره می‌کنند (النوری: مستدرک الوسائل ج ۱۳، ص ۳۹۰)

- روایت ابوبکر الحضرمی از امام صادق (ع): پیامبر (ص) به علی (ع) دستور گردآوری قرآن را داد و ایشان آن را در پارچه‌ای جمع کرد و مهر بر آن نهاد و فرمود رداء بر دوش نمی‌گیرم تا آن را جمع کنم. (القمی: تفسیر القمی ج ۲، ص ۴۵۱) این روایت همانند اکثر روایات جمع قرآن به دست امام (ع) در بردارنده سوگند معروف ایشان است و به قرینه دیگر روایات می‌توان آن را مربوط به پس از رحلت پیامبر (ص) دانست.

- روایت اسحاق بن موسی از امام کاظم (ع): اسحاق از پدرش از اجدادش سوگند علی (ع) را در ضمن خطبه‌ای از ایشان در کوفه نقل می‌کند. (الطبرسی: الاحتجاج ص ۱۹۰)

- روایت ابوذر: هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمود علی (ع) قرآن را جمع نمود و به مهاجر و انصار عرضه کرد. (همان ص ۱۵۵)

روایات سلیم بن قیس: وی حدیث جمع قرآن را از علی (ع) در ضمن سخنانی که خود از ایشان در جمعی از اصحاب، شنیده است نقل می‌کند. (الهلالی: کتاب سلیم ص ۶۶۴) و از سلمان چنین می‌آورد که ابوبکر خواستار بیعت علی (ع) شد و ایشان در پاسخ، به سوگند خویش بر تالیف و حفظ قرآن اشاره نمود. (همان صص ۵۸۱-۵۷۷)

- روایات ابن سیرین: دانشمندان اهل سنت حدیث جمع قرآن به وسیله علی (ع)

را بیشتر از طریق ابن سیرین نقل می‌کنند، "ابن اشته" و "سجستانی" در مصاحف خود این روایت را نقل کرده اند، سجستانی می‌نویسد که علی (ع) فرمود: هنگامی که رسول خدا رحلت کرد قسم یاد کردم که رداء بر دوش خود نگیرم مگر برای نماز تا قرآن را گرد آورم و او قرآن را گرد آورد. (السیوطی: الاتقان ج ۱، ص ۱۶۱ / همو: تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۵ / الطبری: الریاض النضره ج ۲، ص ۲۱۷ / الهیثمی: الصواعق المحرقة ج ۲، ص ۳۷۵)

سیوطی به سه طریق این روایت از ابن سیرین اشاره می‌کند، نخست روایت سجستانی، دیگر روایت ابن الضریس در فضائل القرآن، در این نقل ابن سیرین از عکرمة از علی (ع) روایت می‌کند و آخر روایت ابن اشته در «المصاحف». (السیوطی: الاتقان ج ۱، ص ۱۶۱)

- روایت ایوب و ابن عون: حاکم حسکانی به دو طریق و ابن سعد به یک طریق این حدیث را متصلاً از ایوب و ابن عون از ابن سیرین نقل می‌کنند و قرطبی آن را با طریقی متصل تنها از ایوب السخّتیانی نقل می‌کند. (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، صص ۳۸-۳۷ / القرطبی: الاستیعاب ج ۳، ص ۹۷۴-۹۷۳ ابن سعد: الطبقات الکبری ج ۲، ص ۳۳۸)

- روایت حسن بن دینار: حسکانی به طریقی دیگر حدیث مورد بحث را متصلاً از حسن بن دینار از ابن سیرین نقل می‌کند. (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۶)

- روایت ایوب از عکرمة: پیشتر گذشت که ابن الضریس، حدیث جمع قرآن را از ابن سیرین از عکرمة نقل می‌کند. در روایتی دیگر ایوب آن را مستقیماً از عکرمة نقل می‌کند. (القرطبی: الاستیعاب ج ۳، ص ۹۷۴).

- روایات سدی: وی از "عبد خیر" و "یمان" حدیث جمع قرآن را آورده است در "الفهرست"، "شواهد التنزیل" و "حلیة الاولیاء" با طرق جداگانه این حدیث از "الحکم بن ظهیر" از سدی از عبد خیر از علی (ع) نقل شده است. (الاصبهانی: حلیة الاولیاء ج ۱، ص ۶۷ / الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۶ / الندیم: الفهرست ص ۴۱)

آن دیگر روایت سدی از "یمان" از علی (ع) است که در شواهد التنزیل با سند

متصل دیده می شود. (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۶)

دستور پیامبر (ص) به جمع قرآن

بسیاری از دانشمندان شیعه پرسشی را از "سلیم" از علی (ع) ذکر کرده اند که این کثرت نقل خود شاهد اعتماد آنان به حدیث است، حضرت علی (ع) در پاسخ سلیم به برخی مباحث علوم قرآنی اشاره دارند و در بخشی از آن، می فرماید: آیه ای بر رسول خدا نازل نشد مگر اینکه آن را بر من خواند و املاء نمود، پس آن را به خط خویش نوشتنم و تاویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم آن آیه را به من ارزانی دارد و از آن پس آیه ای از کتاب خدا و علمی را که بر من املاء کرده بود و نوشته بودم، فراموش نکردم. (الحرانی: تحف العقول ص ۱۹۶ / الصفار: بصائر الدرجات ص ۱۹۸ / العاملی: وسائل الشیعه ج ۲۷، ص ۲۰۶ / العیاشی: تفسیر العیاشی ج ۱، ص ۱۴ / القمی: الخصال ج ۱، ص ۲۵۷ / همو: کمال الدین ج ۱، ص ۲۸۴ / الکلینی: الکافی ج ۱، ص ۶۴ / المجلسی: بحارالانوار ج ۲، ص ۲۳۰؛ ج ۳۶، ص ۲۵۶؛ ج ۴۰، ص ۱۳۹ / الهلالی: کتاب سلیم ص ۶۲۴، بخشی از این روایت در نهج البلاغه ذکر شده است. الموسوی: نهج البلاغه ص ۳۲۵)

این روایت به خوبی عمق رابطه علی (ع) با قرآن را نشان می دهد، مبنی بر اینکه آیه ای از قرآن نازل نمی شده مگر اینکه علی (ع) به آن علم داشته و آن را به رشته تحریر در آورده است، از سوی دیگر روایاتی از راویان مکتب اهل بیت (ع) و نیز از عالمان اهل سنت نقل شده است که پیامبر (ص)، علی (ع) را مامور گرد آوردی قرآن نموده، بخشی از آن روایات به قرار زیر است.

- "ابوبکر الحضرمی" از حضرت صادق (ع) نقل می کند که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: قرآن پشت بستر من است آنرا بگیرد و همانگونه که یهود، تورات را ضایع کردند، ضایعش نکنید. (القمی: تفسیر القمی ج ۲، ص ۴۵۱) و نزدیک به

همین مضمون در اخبار ابو رافع آمده است: پیامبر (ص) در آن بیماری که به وفات ایشان منجر شد به علی (ع) فرمود: قرآن را بگیر، آن حضرت قرآن را در پارچه‌ای جمع کرد و پس از رحلت رسول اکرم (ص) آن را تالیف نمود. (ابن شهر آشوب: مناقب آل ابی طالب ج ۲، ص ۴۱) و نیز "عیسی الضریر" از امام کاظم (ع) نقل می‌کند که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: آنگاه که از دنیا رفتم و پس از فراغت از هر آنچه به تو وصیت کردم، در خانه خویش بنشین و قرآن را بر اساس تنزیل آن گرد آور. (النباطی: الصراط المستقیم ج ۲ ص ۹۱/الموسوی: خصائص الائمة ص ۷۲)

شهرستانی (م / ۵۴۸ هـ) فصل دوم از مقدمه تفسیر مفاتیح الاسرار را به چگونگی جمع قرآن اختصاص داده و می‌نویسد: قرآن را همان گونه که نازل شد ... و بدانگونه که پیامبر (ص) به مواضع ترتیب و نهاد و تقدیم و تاخیر اشاره فرمود، این مصحف را فراهم آورد (ص ۵ آ).

ابن شهر آشوب نقل می‌کند که "ابوالعلاء العطار" (م / ۵۶۹ هـ) و "ابوالموید الخوارزمی" (م / ۵۶۸ هـ) در کتابهای خویش از "علی بن رباح" آورده‌اند که پیامبر (ص) به علی (ع) دستور تالیف قرآن را داد، و او قرآن را تالیف کرد و نوشت. (مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۴۱) و نیز سید بن طاووس از "ابن جریر طبری" آورده است که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود تو با قرآن و عزائم و فرائض چه خواهی کرد؟ علی (ع) پاسخ داد آنها را جمع کرده به مردم ارائه می‌کنم و اگر نپذیرفتند خدای عز و جل و تو را بر آن شاهد می‌گیرم، پیامبر (ص) فرمود: شهادت می‌دهم. (المجلسی: بحارالانوار ج ۲۲، ص ۴۹۲) بعید نیست که از جمع بین این روایات و آنچه دلالت بر گردآوری قرآن به دست علی (ع) در مدت سه یا هفت روز پس از رحلت پیامبر (ص) دارد، (ابن الندیم: الفهرست ص ۴۱ / الكلینی: الکافی ج ۸، ص ۱۸) بتوان نتیجه گرفت که آن حضرت (ع) در این مدت کوتاه، قرآنی که خود در حیات رسول خدا (ص) نوشته بوده‌اند بر ترتیبی معین گرد آورده‌اند. (بنگرید: العاملی: حقائق هامة حول القرآن الکریم ص ۱۵۵)

هدف گرد آروی قرآن کریم

الف: مصون ماندن قرآن: پیشتر گذشت که پیامبر (ص) در واپسین روزهای زندگی خویش، هشدار داد که مبادا قرآن به سرنوشت تورات دچار شود و از این رو علی (ع) راموظف به جمع آن نمود، حفظ قرآن کریم، بنا بر روایات موجود، تنها سخنی است که از زبان علی (ع) به عنوان هدف از جمع قرآن نام برده شده است. هنگامیکه علی (ع) از بیعت با ابوبکر خود داری کرد، او به حضرت (ع) گفت: از بیعت با من ناخشنودی؟ در پاسخ فرمود: دیدم که به کتاب خدا اضافه خواهد شد، از این رو با خود گفتم که رداء بر تن نکنم تا قرآن را گرد آورم. (ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۰ / الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، صص ۳۶، ۳۸ / السیوطی: الاتقان ج ۱، ص ۱۶۱) و در پاسخ به پرسشی مشابه از عمر، فرمود هنگامی که رسول خدا رحلت کرد سوگند یاد کردم که رداء بر دوش نگیرم مگر برای نماز واجب چرا که ترسیدم قرآن دگرگون شود. (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۷ / نیز رک القرطبی: الاستیعاب ج ۳، ص ۹۷۴ / الطبری: اریاض النضرة ج ۲، ص ۲۱۷).

ب) جلوگیری از وقوع فتنه: بنا به گفته برخی روایان، پس از بیعت مردم با ابوبکر، علی (ع) برای جلوگیری از فتنه به کتاب خدا روی آورد و آن را در مصحفی گرد آورد. (العباشی: تفسیر العباشی ج ۲، ص ۳۰۶) و یا اینکه علی (ع) پس از مشاهده غدر و بی وفایی مردم، در خانه نشست و به تالیف قرآن پرداخت. (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱ ص ۸۲ الهلالی: کتاب سلیم ۵۸۱) و یا علی (ع) هنگام رحلت پیامبر (ص) از مردم شومی و بد یمنی دید از این رو قسم یاد کرد که رداء بر دوش نگیرد تا قرآن را گرد آورد. (ابن الندیم: الفهرست ص ۴۱ / الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۶) با نگاهی به این روایات دیده می شود که این دلیل برداشت روایان از رخدادهای پس از رحلت رسول اکرم (ص) است، و این در حالی است که دلیل پیشین، سخن علی (ع) و از زبان ایشان نقل شده است.

منابع قرآنی:

الف - نوشت افزارها: قرآن در زمان پیامبر (ص) بر نوشت افزارهای گوناگونی نوشته می شده است (برای تفصیل بنگرید: حجتی: پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ص ۲۱۵/ رامیار: تاریخ قرآن صص ۲۷۶-۲۷۵) در روایاتی که در خصوص جمع آوری قرآن به وسیله علی (ع) وارد شده است از الصحف (برگهای کاغذی)، الشظاظ (قطعه‌ای چوبی)، الاسیار (بریده‌های مستطیل وار از پوست و مانند آن)، الرقاع (بریده‌های برگ یا پوست) الاکتاف (استخوانهای شانه حیوانات)، القراطیس (کاغذها) و الحریر (پارچه نازک) نام برده شده است، بنا به روایت امام صادق (ع) و سلمان، قرآن قبل از جمع به دست علی (ع) مکتوب بر این نوشت افزارها و در اختیار آن حضرت (ع) بوده است. (القمی: تفسیر الفی ج ۲ ص ۴۵۱/ الهلالی: کتاب سلیم ص ۵۸۱)

ب) محفوظات: از ابن عباس در تفسیر آیه "انّ علینا جمعه و قرآنه / قیامة: ۱۷" رسیده است که خداوند به پیامبر (ص) ضمانت داد که علی (ع) پس از ایشان قرآن را گرد می آورد، پس خدا قرآن را در قلب علی (ع) جای داد و او بعد از وفات پیامبر (ص) به مدت شش ماه آن را گرد آورد. (ابن شهر آشوب: مناقب آل ابی طالب ج ۲، ص ۴۱) عبد خیر نیز به صراحت بیان می دارد آنچه علی (ع) گرد آورد اولین مصحفی است که قرآن در آن فراهم آمده است و علی آن را محفوظات خود گرد آورد. (ابن الندیم: الفهرست ص ۴۱ / الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۳۶)

چگونگی تألیف مصحف

مصحف علی (ع) به گونه‌ای خاص تألیف شده است، این مصحف در بردارنده تفسیر و تاویل و تنزیل، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی، محکم و متشابه بوده است، و بنا به مشهور ترتیب آن با مصحف موجود، تفاوت داشته است.

الف) تاویل: از امام صادق (ع) رسیده است که خداوند تنزیل و تاویل را به

پیامبرش آموخت و رسول الله آن را به علی آموزش داد. (الراوندی: الخراج ج ۲، ص ۵۷۳ / الطوسی: تهذیب الحکام ج ۸ ص ۲۸۶ العاملی: وسائل الشیعه ج ۲۳، ص ۲۲۴؛ ۲۷، ص ۱۸۲/ العیاشی: تفسیر العیاشی ج ۱، ص ۱۷ کلینی: الکافی ج ۷ ص ۴۴۲) و در روایتی از علی (ع) آمده است که مصحف ایشان مشتمل بر تاویل و تنزیل بوده است. (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱، ص ۲۵۷) و "سلمان" می‌گوید که آن حضرت (ع) قرآن را بر اساس تنزیل و تاویل آن نوشت (الهلالی: کتاب سلیم ص ۵۸۱).

و مفید از گروهی از امامیه ذکر می‌کند که مصحف آن حضرت مشتمل بر تاویل و تفسیر معانی قرآن بر حقیقت تنزیلش بوده است. (العکبری: اوائل المقالات ص ۸۰) (ب) تنزیل: روایاتی از شیعه و اهل سنت، نشان می‌دهد که آن حضرت (ع) مصحف را بر اساس تنزیل تالیف نموده است، و از امام کاظم (ع) رسیده است که پیامبر (ص) به علی (ع) دستورگرد آوری قرآن را بر اساس تنزیل داده است (النباطی: الصراط المستقیم ج ۲ ص ۲۱). در روایات گرد آوری قرآن از عبارات زیر در جهت بیان این ویژگی استفاده شده است:

"کتابه علی تنزیله": این عبارت از "سلمان" (الهلالی: کتاب سلیم ۵۸۱) و به صورت بسیار گسترده‌ای از "ابن سیرین" روایت شده است، وی از این ویژگی با عبارات "بلغنی / به من رسیده است، فزعموا / پنداشته‌اند"، "نبئت / برایم گزارش شده" یاد می‌کند و در برخی با فعل "قال" از او نقل شده است. (ابن سعد: الطبقات الکبری ج ۲ ص ۳۳۸ / الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۷ / الذهبی: معرفه القراء الکبار ج ۱ ص ۲۸ السیوطی: تاریخ الخلفاء ص ۱۸۵ / الطبرسی: الریاض النضره ج ۲ ص ۲۱۷ الهیثمی: الصواعق المحرقة ج ۱ ص ۴۴؛ ج ۲، ص ۳۷۵ القرطبی: الاستیعاب ج ۳ ص ۹۷۴)

"کما انزل": "جابر بن یزید" از امام باقر (ع) روایت می‌کند که هر که ادعاء کند همه قرآن را آنگونه که نازل شده، جمع کرده است کذاب است. (الکلینی: الکافی ج ۱ ص ۲۲۸) ابوبکر الجوهری در کتاب "السقیفه" می‌نویسد که او قرآن را همانگونه که

نازل شده بود بر اساس ناسخ و منسوخش نگاشت (ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۴۰).

این عبارت در پرسش ابن سیرین از "عکرمه" نیز دیده می شود. (السیوطی: الاتقان ج ۱ ص ۱۶۱) "کما انزله الله": بنا به روایتی از امام صادق (ع)، امیرالمؤمنین (ع)، هنگام ارائه مصحف به مردم فرمود: این کتاب خدای عزوجل است همانگونه که آن را بر محمد نازل کرده است. (الکلبینی: الکافی ج ۲ ص ۶۳۳) و در اخبار "ابورافع" آمده است که علی (ع) قرآن را "کما انزله الله" تالیف کردند. (ابن شهر آشوب: مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۴۱) "کما نزله الله": حضرت باقر (ع) می فرماید قرآن را همانگونه که خداوند تنزیل نموده، جز علی بن ابیطالب و ائمه بعد از او جمع و حفظ نکرده اند (الکلبینی: الکافی ج ۱ ص ۲۲۸).

مراد از "تنزیل" در مصحف علی (ع) چیست؟

در این مورد به دو دیدگاه برخورد می کنیم

الف: تنزیل، بخشی از وحی الهی است که جنبه اعجاز نداشته و آن حضرت در مقام بیان و تاویل آیات آنها را در مصحف گرد آورده است: شیخ صدوق وحی الهی را به قرآن و غیر قرآن تقسیم می کند: "به تحقیق که نازل شده از آن قبیل وحی که قرآن نیست آن مقدار که اگر به قرآن ضم شود. مبلغش هفده هزار آیه می شود مثل... پروردگارت به تو می فرماید یا محمد مدارا کن با خلق مثل آنکه من مدارا می کنم" (ترجمه اعتقادات صدوق ص ۱۰۷) و نیز "همگی وحی است لکن قرآن نیست و اگر قرآن بود هر آینه قرین و وصل شده بود به آن نه جدا، چنانچه جناب امیر (ع) جمع فرمود قرآن را و چون نزد قوم آورد فرمود: این کتاب پروردگار شماست به همان نهجی که نازل شده بر پیغمبر شما، نه یک حرف در آن زیاد شده نه کم" (همان ص ۱۰۸). از سخن شیخ بر می آید که مصحف علی (ع) در بردارنده قرآن و غیر قرآن که آن هم وحی

الهی بوده، می‌باشد. همانند این سخن را مفید از گروهی از امامیه، نقل می‌کند: قرآن موجود شامل آنچه در مصحف امیرالمؤمنین (ع) از تاویل و تفسیر معانی بر حقیقت تنزیلش بوده، نیست، و اینها اگر چه نازل شده از طرف خداوند

است ولی از جمله کلام او که قرآن معجز است، نبوده و اهل تفسیر بدون اختلاف، تاویل قرآن را قرآن می‌نامند. (العکبری: اوائل المقالات ص ۸۰ با اندکی تلخیص) این دیدگاه را می‌توان از کلام علی (ع) نیز دریافت، ایشان بیان نامهای اهل حق و باطل (در مصحف) را از سوی خداوند می‌داند. (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱ ص ۲۵۷) و نزدیک به همین مضمون از امام صادق (ع) رسیده است که اگر قرآن همانگونه که نازل شده بود قرائت می‌شد، شما ما را به نام می‌یافتید. (العیاشی: تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۳/المجلسی: بحار الانوار ج ۸۹ صص ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷) آیت الله خوئی در بیان این دیدگاه می‌نویسد: از روایاتی که در این زمینه رسیده است، بر می‌آید که مصحف علی (ع) شامل مطالب بیشتری از تنزیل و تاویل بوده است و در هیچکدام از این روایات دلالتی مبنی بر اینکه آنها از قرآن باشد وجود ندارد و نام بردن منافقین از همین نوع بوده و به عنوان تفسیر می‌باشد. (الخوئی: البیان فی تفسیر القرآن ص ۲۲۵) و نیز: صحیح این است که این مطالب که از آنها به تاویل یاد شده، تفسیر محسوب می‌شود و یا شرح مراد است که تنزیل از جانب خدا می‌باشد. (همان ص ۲۲۳) علامه بلاغی، تنزیل را عبارت از مناسبت زمانی که نزول آیات را سبب می‌شده است می‌داند. (معرف: التمهید فی علوم القرآن ج ۱ ص ۲۲۹ به نقل از آلاء الرحمن ج ۱ ص ۲۲۷)، پیدا است که می‌توان اسباب النزول را در ضمن شرح و بیان آیات آورد، و این سخن را جدا از آنچه گفته شده ندانیم.

شهرستانی در توصیف مصحف علی (ع) به این نکته بدیع اشاره دارد که گفته اند: مصحف آن حضرت (ع) در بردارنده متن و حواشی و جمله های معترضه بوده است و اینکه علی (ع) آیات مشابه را در کنار هم قرار داده است (مفاتیح الاسرار: ج ۱، ص ۵ آ). این بیان می‌تواند راهگشای ما باشد و قرینه ای بر درستی آنچه که ذکر

گردید اینکه: توضیحاتی که در مصحف آن حضرت بوده است نه خود قرآن بلکه حاشیه ها و جملات معترضه ای بوده اند که علی (ع) در مقام بیان قرآن آورده است اگرچه برخی از آنها نیز تنزیل الهی بوده باشد.

ب: بنا بر این رأی، مصحف علی (ع) بر طبق ترتیب نزول سوره های قرآن، فراهم آمده است، مبنای این دیدگاه روایاتی است که از "ابن سیرین" نقل شده است، "ابن فارس" در کتاب "المسائل الخمس" در بحث از توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سوره های قرآن اشاره دارد که ترتیب سوره ها در قرآن به اجتهاد صحابه بوده است و دلیل آن اختلاف مصحف های آنان در ترتیب سوره ها می باشد، او ترتیب قرار گرفتن آیات در سوره ها را توقیفی از جانب پیامبر (ص) می داند، و ترتیب مصحف علی (ع) را بر طبق نزول بر می شمارد: علق، مدثر، قلم، مزمل، ابولهب، تکویر و... (الزركشي: البرهان ج ۱ ص ۲۵۹ / الزرقانی: مناهل العرفان ج ۱ ص ۲۴۴ / السيوطی: الانقان ج ۱ ص ۱۷۷ / القرطبي: تفسير القرطبي ج ۱ ص ۵۹) / و نیز "ابن حجر" - با استناد به روایت سجستانی از ابن سیرین - و "ابن جزی" مصحف علی (ع) را مرتب شده بر اساس نزول می دانند. (العسقلانی: فتح الباری ج ۹ ص ۵۲ / معرفت: التمهيد في علوم القرآن ج ۱ ص ۲۲۶ به نقل از التسهيل لعلوم التنزيل ج ۱ ص ۴)

ابن سیرین می گوید به عکرمه گفتم: آیا آن را همانگونه که نازل شده بود تالیف کردند، یکی پس از دیگری و پاسخ می شنود که اگر انس و جن جمع شوند، نمی توانند آن را، آنگونه جمع کنند. (السيوطی: الانقان ج ۱ صص ۱۶۲-۱۶۱) و "ابن عون" می گوید که از عکرمه در مورد آن کتاب پرسیدم، آن را نمی شناخت. (ابن سعد: الطبقات الكبرى ج ۲ ص ۳۳۸)

نباید از نظر دور داشت که "ابن سیرین" - که سخن او مبنای این نوع ترتیب است - خود اذعان دارد که مصحف علی (ع) را ندیده است و حتی برای دیدن آن به مدینه نامه نوشت ولی توفیقی کسب نکرد. (السيوطی: الانقان ج ۱ ص ۱۶۱) و همچنین

روایات او همراه با نوعی ابهام است.

به علاوه عبارت "علی تنزیله" و همانند آن، نمی‌تواند دلیلی مطمئن بر این نوع ترتیب باشد، چرا که احتمالات دیگری نیز داده می‌شود، یکی، نظر صدوق و دیگر علماء شیعه که آن را به بخشی از وحی الهی تفسیر کرده‌اند، دیگر اینکه بعید نیست مراد از این عبارات وجود تمام آیات الهی بی کم و کاست در مصحف علی (ع) باشد، روایاتی از آن حضرت (ع) می‌تواند چنین نظری را تقویت کند، در بخشی از سخن ایشان که مربوط به ارائه مصحف به مردم است. می‌خوانیم: "این کتاب پروردگار شماست همانگونه که بر پیامبرتان نازل شد حرفی به آن اضافه یا کم نگردیده است. (القمی: ترجمه اعتقادات ص ۱۰۸) و نزدیک به همین مضمون را در روایت طلحه از ایشان می‌بینیم (الهلالی: کتاب سلیم صص ۵۸۲، ۶۵۶)

سخن شهرستانی نیز تأییدی بر همین نکته است، او می‌نویسد: قرآن را همانگونه که نازل شده بود بدون هیچگونه تحریف و تبدیل و زیاده و نقصان جمع کرد (مفاتیح الاسرار و مصابیح الابراج، ج ۱، ص ۱۵).

نکته مهم این است که در روایات شیعه سخنی از ترتیب مصحف بر مبنای ترتیب نزول سوره‌ها دیده نمی‌شود، و پیشتر گفته شد که در روایات امامیه سخن از تالیف بر اساس "تنزیل" یا "کما انزله الله" می‌باشد و علماء شیعه این عبارات را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرده‌اند، بنابر آنچه بیان گردیده نمی‌توان به این دیدگاه که مبتنی بر ترتیب مصحف علی (ع) بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها است، اعتماد کرد.

ترتیب یعقوبی

در تاریخ یعقوبی به ترتیبی غیر از آنچه گذشت بر می‌خوریم، در این ترتیب مصحف حضرت (ع) به هفت جزء تقسیم شده، هر جزء مشتمل بر ۸۸۶ آیه بوده، تعداد سوره‌ها در برخی از جزءها پانزده و در برخی شانزده می‌باشد، جمع این

سوره‌ها ۱۰۹ بوده و سوره‌های حمد، رعد، سبأ، تحریم و علق در این فهرست دیده نمی‌شود و نام سوره اول هر جزء بر آن جزء نهاده شده است:

جزء بقره / ۱۵ سوره: ۱ بقره ۲ یوسف ۳ عنکبوت ۴ روم ۵ لقمان ۶ فصلت ۷ ذاریات ۸ دهر ۹ سجده ۱۰ نازعات ۱۱ کورت ۱۲ انفطار ۱۳ انشقاق ۱۴ اعلی ۱۵ بینه.

جزء آل عمران / ۱۶ سوره ۱ آل عمران ۲ هود ۳ حج ۴ حجر ۵ احزاب ۶ دخان ۷ الرحمن ۸ حاقه ۹ معارج ۱۰ عبس ۱۱ شمس ۱۲ قدر ۱۳ زلزال ۱۴ همزه ۱۵ فیل ۱۶ قریش.

جزء نساء / ۱۶ سوره: ۱ نساء ۲ نحل ۳ مومنون ۴ یس ۵ شوری ۶ واقعه ۷ تبارک ۸ مدثر ۹ ماعون ۱۰ تبت ۱۱ توحید ۱۲ عصر ۱۳ قارعه ۱۴ بروج ۱۵ تین ۱۶ نمل
جزء مائده / ۱۵ سوره: ۱ مائده ۲ یونس ۳ مریم ۴ شعراء ۵ زخرف ۶ حجرات ۷ ق ۸ قمر ۹ ممتحنه ۱۰ طارق ۱۱ بلد ۱۲ انشراح ۱۳ عادیات ۱۴ کوثر ۱۵ کافرون
جزء انعام / ۱۶ سوره: ۱ انعام ۲ اسراء ۳ انبیاء ۴ فرقان ۵ قصص ۶ مومن ۷ مجادله ۸ حشر ۹ جمعه ۱۰ منافقون ۱۱ قلم ۱۲ نوح ۱۳ جن ۱۴ مرسلات ۱۵ ضحی ۱۶ تکاثر

جزء اعراف / ۱۶ سوره: ۱ اعراف ۲ ابراهیم ۳ کهف ۴ نور ۵ ص ۶ زمر ۷ جاثیه ۸ محمد ۹ حدید ۱۰ مزمل ۱۱ قیامه ۱۲ نباء ۱۳ غاشیه ۱۴ فجر ۱۵ لیل ۱۶ نصر
جزء انفال / ۱۵ سوره: ۱ انفال ۲ توبه ۳ طه ۴ فاطر ۵ صافات ۶ احقاف ۷ فتح ۸ طور ۹ نجم ۱۰ صف ۱۱ تغابن ۱۲ طلاق ۱۳ مطففین ۱۴، ۱۵ معوذتین (البعربی: تاریخ الیعربی ج ۲ صص ۱۳۶-۱۳۵) به این نمونه ترتیب در روایاتی که به ما رسیده است، اشاره‌ای نشده است، علامه زنجانی بر این ترتیب ایرادی وارد نساخته و آنرا در تاریخ قرآن خود ذکر کرده است (صص ۹۱-۸۹) اما دکتر رامیار آن را بسیار غریب، تصنعی و متناسب با کارهای قرن دوم و سوم هجری می‌داند، دورانی که در آن

سعی و تلاش در شماره کردن آیات و کلمات قرآن می شده است (رامیار: تاریخ قرآن، ص ۳۷۰).

در تاریخ یعقوبی روایتی از علی (ع) دیده می شود که فرمود: قرآن بر چهار بخش نازل شده است، یک چهارم در ما، یک چهارم در دشمنان ما، یک چهارم در مثلها یک چهارم در محکم و متشابه. (الیعقوبی: تاریخ الیعقوبی ج ۲، ص ۱۳۶) دکتر رامیار این روایت را ترتیب دیگری از یعقوبی میدانند، روشن است که این روایت ترتیبی برای مصحف نبوده بلکه تقسیمی در مورد آیات قرآن است.

ابن الندیم در "الفهرست"، هنگامی که از مصحف علی (ع) سخن می گوید می نویسد در نزد ابویعلی حمزة الحسینی مصحفی را دیدم که فرزندان حسن در طول زمان از یکدیگر به ارث برده اند و این ترتیب سوره ها از آن مصحف است ولی در ادامه هیچ مطلبی دیده نمی شود (ص ۴۱)، علامه زنجانی این ترتیب را حذف شده در تمامی نسخه های موجود "الفهرست" می داند (زنجانی: تاریخ قرآن، ص ۸۸) به همین نکته دکتر رامیار که نسخه هایی چند از "الفهرست" را دیده است اشاره می کند (تاریخ قرآن صص ۳۶۹-۳۶۸)

شهرستانی فصل سوم از مقدمه تفسیر خویش را به اختلاف راویان در ترتیب نزول سوره های قرآن اختصاص داده است و در جداولی به تفصیل این روایات را ذکر می کند، یکی از آنها، روایت "مقاتل بن سلیمان" از علی (ع) که در بردارنده ۱۰۹ سوره می باشد آغازگر این ترتیب سوره علق و پایان بخش آن سوره غاشیه است، سوره های حمد، زخرف، حشر، تغابن و بلد در این ترتیب دیده نمی شود، شهرستانی خود نمی گوید که مصحف علی (ع) به این ترتیب بوده است (مفاتیح الاسرار، صص ۶-آ۹). اگر چه برخی به اشتباه آن را ترتیب مصحف علی (ع) دانسته اند (بنگرید به: خرمشاهی: دانشنامه قرآن، ج ۱، ص ۴۸۷ / بینات، شماره ۲۸، ص ۱۸۹).

تقدیم ناسخ بر منسوخ:

بنا به روایتی از علی (ع)، مصحف در بردارنده آیه‌های ناسخ و منسوخ بوده است (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱، ص ۲۵۷) و از دیگر روایات برداشت می‌شود که علی (ع) آیات منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته است، از ابن سیرین رسیده است که ایشان آیه‌های ناسخ را پس از منسوخ نوشته بودند، (الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۸ / السیوطی: الاتقان ج ۱ ص ۱۶۱) مفید نیز در "المسائل السرویه" به این مطلب اشاره کرده است. (العکبری: المسائل السرویه ص ۷۹) ابوبکر الجوهری می‌نویسد: ایشان قرآن را همانگونه که نازل شده بود به ناسخ و منسوخش نوشت. (ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه ج ۶، ص ۴۱)، روایاتی که اشاره دارد آن حضرت مصحف را بر اساس تنزیل و ناسخ و منسوخ نوشتند. (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱ ص ۸۲ / الهالی: کتاب سلیم ص ۵۸۱) همین مطلب را می‌رساند.

تقدیم مکی به مدنی

بنا به گفته مفید در مصحف علی (ع) آیات مکی بر مدنی مقدم بوده است. (العکبری: المسائل السرویه ص ۷۹)

محکم و متشابه

روایتی از علی (ع) نشان می‌دهد که مصحف وی مشتمل بر آیات محکم و متشابه بوده است، اما روایت چگونگی ارائه آن را بازگو نمی‌سازد. (الطبرسی: الاحتجاج ج ۱ ص ۲۵۷)

نتیجه:

نظر به اینکه علی (ع) در نخستین روزهای پس از رحلت رسول اکرم (ص) شروع به گردآوری قرآن نمود و به تصریح بزرگانی چون ابن الندیم، در می‌یابیم که ایشان در جمع قرآن بر دیگر صحابه، پیشتاز بوده است، و تنها برای نمونه اشاره می‌شود

که "حاکم حسکانی" فصل سوم از "شواهد التنزیل" را به پیشی گرفتن علی (ع) از همتایان خود در جمع قرآن اختصاص داده است. (شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۷ به بعد) و از طرفی مصحف آن حضرت (ع) در بردارند مسائل علمی از تفسیر و تاویل آیات، تنزیل، اسباب النزول، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی، محکم و متشابه و... بوده است و می‌دانیم که این مباحث از جمله مسائل مهم علوم قرآنی می‌باشند (السیوطی: الاتقان نوع ۱۰۷، ۹، ۱۸، ۴۳، ۴۷، ۷۱) و پرواضح است که مصحف آن حضرت (ع) به این حوزه وارد شده است، آلوسی وجود ناسخ و منسوخ در مصحف علی (ع) را نشانه‌ای برگرد آوری قرآن برای هدفی خاص دانسته است، بنابراین مصحف همچون کتابی علمی خواهد بود. (الالوسی: روح المعانی ج ۱ ص ۲۲) و کسانی چون ابن سیرین، زهری و ابن جزری، دستیابی به مصحف را یافتن علمی بسیار دانسته‌اند.

(ابن سعد: الطبقات الكبرى ج ۲ ص ۳۳۸/ الحسکانی: شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۷/ الذهبی: معرفه القرآء الکبار ج ۱ ص ۲۸/ السیوطی: تاریخ الخلفاء ص ۱۸۵/ الطبری: الریاض النضره ج ۲ ص ۲۱۷ الهیتمی: الصواعق المحرقة ج ۲ ص ۳۷۵/ القرطبی: الاستیعاب ج ۳ ص ۹۷۴/ معرفت: التمهید فی علوم القرآن ج ۱ ص ۲۲۶) بسیاری ترتیب سوره‌ها در مصحف را بر اساس ترتیب نزول آنها می‌دانند، این نظر چندان قابل اطمینان نمی‌باشد چرا که از پشتوانه محکم روایتی برخوردار نیست.

منابع:

القرآن الکریم

- ۱- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۵۸ ق.
- ۳- ابن بابویه، محمد، مترجم: سید محمد علی الحسنی؛ ترجمه اعتقادات شیخ صدوق؛ تهران، علمیه اسلامی، بی تا.

- ۴- همو؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- ۵- همو؛ الخصال؛ قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- ۶- ابن شهر آشوب، محمد؛ مناقب آل ابی طالب؛ قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ۷- ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت، دارصادر، بی تا.
- ۸- ابن النذیم، محمد؛ الفهرست؛ بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ ق.
- ۹- الاصبهانی، ابراهیم؛ حلیة الاولیاء؛ بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۰- حجتی، محمد باقر؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۱- الحسکانی، عبدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل؛ بی جا، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۲- الحرانی، حسن؛ تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین ۱۴۰۴ ق. ۱۳- خرمشاهی، بهالدین و دیگران؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ تهران، دوستان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴- الخوی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۵- الذهبی، محمد؛ معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار؛ بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۶- رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش
- ۱۷- زنجانی، ابو عبدالله؛ تاریخ قرآن؛ بی جا، بی نا، بی تا.
- ۱۸- الراوندی، قطب الدین؛ الخرائج، قم، مؤسسه الامام مهدی عج، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۹- الزرکشی، محمد؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۱ ق.
- ۲۰- الزرقانی، محمد؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶ م.
- ۲۱- السیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ قاهره، الفاروق الحدیثه، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۲- همو؛ تاریخ الخلفاء؛ مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۷۱ ق.
- ۲۳- الشهرستانی، محمد؛ مفاتیح الاسرار و مصابیح الابراز؛ مرکز انتشار نسخ خطی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۴- الصفار، محمد؛ بصائر الدرجات؛ قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۵- الطبرسی، احمد؛ الاحتجاج؛ مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۶- الطبری، احمد بن عبدالله؛ الرياض النضرة؛ بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۶ م.
- ۲۷- العاملی، جعفر مرتضی؛ حقائق هامة حول القرآن الکریم؛ قم؛ مؤسسه نشر اسلامی،

- ۱۴۱۰ق.
- ۲۸- العاملى، محمد؛ وسائل الشيعة؛ قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۹- العسقلانى، احمد؛ فتح البارى؛ بيروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ ق.
- ۳۰- العكبى، محمد؛ اوائل المقالات؛ قم، كنگر شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۱- همو؛ المسائل السرويه؛ قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۲- العياشى، محمد؛ تفسير العياشى؛ تهران، علميه، ۱۳۸۰ ق.
- ۳۳- القرطبى، محمد؛ الجامع لاحكام القرآن؛ قاهره، دارالشعب، ۱۳۷۲ ق.
- ۳۴- القرطبى، يوسف بن عبدالله؛ الاستيعاب فى معرفة الاصحاب؛ بيروت، دارالجميل، ۱۴۱۲ق.
- ۳۵- القمى، على؛ تفسير القمى؛ قم، دارالكتب، ۱۴۰۴ ق.
- ۳۶- الكلينى، محمد؛ الكافى؛ تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ ق.
- ۳۷- المجلسى، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۳۸- معرفت، محمد هادى؛ التمهيد فى علوم القرآن؛ قم، مركز مديريت حوزه علميه، بى تا.
- ۳۹- الموسوى، محمد؛ خصائص الائمة؛ مشهد، مجمع البحوث، ۱۴۰۶ ق.
- ۴۰- الموسوى، محمد الرضى، تصحيح دكتور صبحى صالح؛ نهج البلاغه؛ قم، هجرت، ۱۳۹۵ ق.
- ۴۱- النورى، حسين؛ مستدرک الوسائل؛ قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
- ۴۲- التباطى، على؛ الصراط المستقيم؛ نجف، حيدر، ۱۳۸۴ ق.
- ۴۳- الهلالى، سليم؛ كتاب سليم بن قيس الهلالى؛ قم، الهادى، ۱۴۱۵ ق.
- ۴۴- الهيشمى، احمد؛ الصواعق المحرقة؛ بيروت، موسسه الرساله، ۱۹۹۷ م.
- ۴۵- اليعقوبى، احمد؛ تاريخ اليعقوبى؛ بيروت، دارصادر.

Imam ali's Moshaf
Or
The First Text In Koranic Science filed
R. Farshchian
The University Of Kerman

According to a great number of shia and sunni traditions, a few days after the prophet death, Imam Ali compiled the holy Koran by order of the holy prophet.

This collection that is Known as "Imam ali's Moshaf" contained commentary and interpretation of the koranic verses and the verses are clear (muhkam) or ambiguous (mutashabih) and the cause of revelation that is known as "asbab al-nuzul"

In addition, the abrogating verses came after the abrogated verses like Madani verses and Meccan verses. Some of Moslem scholars relate that the "moshaf" was collected according to the arrangement of revelation, it is only based on the "Ibn Sirin tradition" and we don't see it in others especially Shia traditions, therefore it isn't an assurable opinion.

Finally, as a result: Imam Ali's moshaf was the first text in koranic science filed because it contained the most important of it's subjects.

Key words: *Ali, Moshaf , koranic science, chapters ,arrangement of Revelation.*